گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۴۵۲۳۹۰
یکشنبه ۶ تیر ۱۴۰۰ ۱۷:۳۸

جمله معروف کریمی به قطبی که جنجال‌ساز شد

جمله معروف کریمی به قطبی باز هم جنجالی شد.

به گزارش خبرنگاران گروه ورزشی گزارش خبر، حسن اشجاری مدافع چپ سابق تیم ملی، وقتی برایتان خاطره تعریف کند، چیزهایی می گوید که جذاب است. درست مثل این نکاتی که در مصاحبه تازه اش گفته. او پرده از ماجرای دعوای کریمی و قطبی قبل از جام ملت های قطر در سال ۲۰۱۱ برداشت و توضیح داد جادوگر در جلسه معروف شان به سرمربی سابق تیم ملی چه چیزی گفت و همکاری‌شان به پایان رسید!

برای بازیکنان دعوا می کرد

بازی ذوب‌آهن و پرسپولیس. من و علی کریمی. به نظرم او اعجوبه بود. ما در استیل آذین و تیم ملی همبازی بودیم. یادم نمی آید علی یک بار فقط یک بار به خاطر خودش دعوا کرده باشد. او هر چه دعوا می کرد به خاطر تیم و دیگر بازیکنان بود. هنوز با هم در ارتباط هستیم.

ماجرای گریه قطبی

افشین قطبی و علی کریمی. یاد اردوی اتریش می افتم، قبل از جام ملت ها و دعوایی که بین آنها شد. ماجرا از این قرار بود که قطبی یک مربی بدنساز خارجی آورد که یک تستی از بازیکنان می گرفت. علی کریمی در این تست مصدوم و شاکی شد. چیزهایی گفت که باعث شد قطبی بعد از تمرین در اردوی تیم ملی جلسه بگذارد. او شروع کرد به گریه و زاری که من به خاطر پرچم ایران اینجا هستم و پای بچه ام شکسته ولی در کنار تیم ملی مانده ام. علی هم یک جواب خیلی خوب به او داد که قشنگ یادم هست و منجر به جدایی علی شد. می دانم کریمی مشکلی با این مسئله ندارد که جمله اش را بگویم. علی گفت شما مفت کار نمی کنی. در کره جنوبی برای آنالیز دو بازی تیم ملی ایران ۲۰ هزار دلار گرفته بودی ولی در تیم ملی ایران برای یک سال قرارداد ۸۰۰ هزار دلاری بسته ای. کریمی گفت شما مجانی کار نمی کنی و با مبلغ هنگفتی در تیم ملی هستی. قطبی به نظر من سیاه باز و زبان باز بود. من بعد از علی دایی یک سال با قطبی کار کردم. نمی توانم بگویم مخالفش بودم ولی همه آنهایی که در تیم ملی بودند صادقانه می توانند درباره اش حرف بزنند.

قمه کشی کردند

تصاویر قهرمانی ام با استقلال و سپاهان. من سه بار در لیگ برتر و یک بار در حذفی قهرمان شدم. یک بار هم در آسیا با سپاهان به نایب قهرمانی رسیدم. البته آن سال ماجرای رفتن من به استقلال داستان شد. می گفتند با امیر قلعه نویی دست به یکی کرده ام. سر گلی بود که خسرو به سپاهان زد. در آن بازی روی یک کرنر جباری توپ را فرستاد. جانواریو توپ را گرفت و در عرض به خسرو حیدری داد. یک بازیکنی کنار خسرو بود که نتوانست توپ را بگیرد. گفتند این حسن اشجاری بود و با قلعه نویی بسته و به خاطر همین تکل نزده! در حالی که اصلا آن بازیکن من نبودم. اگر فیلم گل را نگاه کنید بنده که شماره دو پوشیده بودم، روی خط دروازه هستم. بازیکنی که آنجاست و نتوانست روی حرکت خسرو کاری کند، جعفرپور بود. منتهی برای من کلی داستان به راه انداختند. بگذارید ماجرار را باز کنم. کرانچار عاشق من بود. همان فصل هاشم بیک زاده را یک دقیقه هم بازی نمی داد. سربازی حاج صفی در تراکتور داشت تمام می شود و بعضی بوقچی ها او را دوست داشتند. یادم هست بازی داشتیم با صبا که من و رحمان احمدی دچار ناهماهنگی شدیم. من با سر توپ را به عقب دادم نگو رحمان هم از دروازه خارج شده بود. مهاجم صبا توپ را گرفت و وارد دروازه کرد. بازی سه بر یک باخته را ۴ بر یک باختیم. منتهی دنبال بهانه بودند دیگر. من شب رفتم خانه و دیدم از خیابان صدای عربده می آید. به من فحش می دادند. زنگ زدم فتاحی سرپرست تیم که آقا اینها جلوی خانه من جمع شده اند. ایشان هم زنگ زد به آقای رحیمی مدیرعامل باشگاه که خودش آمد. پلیس هم آمد. یک عده با قمه و چاقو جلوی در خانه بودند. فردا همان شب به آقای کرانچار گفتم اینجا جای من نیست و رضایتنامه ام را بدهید تا بروم. کرانچار مخالفت کرد. همان همان سال ۱۰ تا پاس گل داده بودم و ۴ گل هم زدم. این بود که نماندم و جدا شدم.

ملوانی های تیم ملی

بازی دوستانه ایران و ارمنستان در دوره مربیگری افشین قطبی. بازی را بردیم. جذابیت عکس می دانید چیست؟ سه ملوانی تیم ملی بودیم. من، سیدجلال و پژمان منتظری. آن بازی و در نیمه اول افتضاح بودیم اما نیمه دوم بهتر عمل کردیم و مسابقه را بردیم.

با دایی به جام جهانی می رفتیم

بازی ایران و کره جنوبی در دوره مربیگری آقای دایی. مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۰. در تهران با آنها یک بر یک مساوی کردیم. اینجا حسین کعبی یک لباس داخل پیراهنش گذاشته بود تا آن را به یکی از توپ جمع کن ها بدهد. جواد نکونام هم تا حدودی ناراحت بود چون با شماره محبوبش بازی نمی کرد. آقای دایی خیلی به حسین کاظمی علاقه داشت. اگر یادتان باشد در آن دوران ایشان خیلی هم تحت فشار قرار گرفت چون از بازیکنانی من ، غلامرضا رضایی یا غلام نژاد استفاده می کرد. مثلا جباری روی نیمکت بود یا آندو که روی سکو می نشست. دایی جای جباری، مسعود شجاعی را بازی می داد. همین تصمیمات باعث شده بود بعضی رسانه ها به علی آقا فشار بیاورند ولی او روی حرفش ایستاد. به نظرم اگر بعد از بازی عربستان علی آقا برکنار نمی شد ما به جام جهانی می رفتیم. او و کل تیم انگیزه داشتند ولی متاسفانه چون ایشان رئیس جمهور وقت را بین دو نیمه به رختکن راه نداد، برکنارش کردند.

اختلاف سر بازوبند

عجب استقلالی. اینجا بعضی بازیکنان ذخیره در ترکیب بودند. مثل محمدرضایی یا میثم بائو. آن سال ما دو تیم داشتیم. ۲۰ بازیکن عالی. قلعه نویی نمی دانست کدام را بازی بدهد. البته همیشه وقتی تیم پرستاره است طبیعی است اختلافاتی هم پیش بیاید. مثلا آن فصل سر بازوبند بین دو بازیکن

مطرح تیم تنش بود که البته آقای قلعه نویی خیلی خوب مدیریتش کرد.